

افزایش نگران کننده تلفات غیر نظامیان در کشور

سرمقاله

تلفات غیر نظامیان باید کاهش یابد

محمد رضا هویدا

افزایش تلفات غیر نظامیان در افغانستان امر تازه ای نیست. سالهاست که با شدیدتر شدن جنگ و ناامنی در کشور آمار تلفات غیر نظامیان نیز بالا می رود. آنچه در گزارش یوناما از افزایش تلفات غیر نظامیان ذکر شده و مهم به نظر می رسد، دلایلی است که باعث از بین رفتن غیر نظامیان شده است.

به گزارش یوناما عامل عمده تلفات غیر نظامیان، درگیری های زمینی، انفجارها، حملات انتحاری و قتل های هدفمند بوده است. این عوامل در افغانستان همواره کشته کننده بوده اند.

اما امسال درگیری ها به شکل گسترده ای با آغاز بهار و فصل گرما در ولایات مختلف شروع شده است. طالبان در سال روان، به هدف تصرف ولسوالی ها و مناطق بزرگ حمله می کنند و در نتیجه جنگ ها به حالت گسترده در آمده است و کشتارها نیز در مقیاس وسیع تری انجام می شوند. راهگیری ها در مناطق مختلف کشور نیز تلفات خاص خود را بر جای می گذارد. طالبان را هر طریقی استفاده می کنند تا ترس و هراس را در میان مردم حاکم کنند. تغییر جغرافیای جنگ نیز بدون شک تلفات انسانی بیشتری را در پی خواهد داشت.

یکی از مشکلاتی که در جنگ در افغانستان وجود داشته و دارد این است که مخالفان از ابزارهای با مقیاس وسیع کشتار استفاده می کنند.

همین طور این ابزارها غیر قابل کنترل هستند. استفاده از ماین های کنتر جاده ای، روشی است که در بسیاری از عملیات های طالبان استفاده می شود.

این ابزار در اکثر موارد غیر قابل کنترل است و نمی توان هدف را به صورت کاملا دقیق مشخص ساخت. همین گونه حملات انتحاری که یکی از ابزارهای جدی و پرطرفدار طالبان و گروه های مخالف دولت است، تلفات غیر نظامیان را بالا می برد. در عملیات های انتحاری تشخیص افراد نظامی و غیر نظامی تقریبا ناممکن است. اما بدتر از اینها این است که طالبان حامدانه مردم ملکی را هدف قرار می دهند.

حمله های طالبان بر مناطقی در شمال کشور و همپس گونه در ولایات مانند غزنی و آدم ربایی ها و راه گیری ها حامدانه و به هدف آزار و اذیت و قتل و کشتار مردم بی دفاع است. این گونه اقدامات دقیقا به هدف ترساندن و ایجاد هراس در میان مردم می باشد.

با وارد شدن گروه تروریست داعش در افغانستان و وجود نشانه هایی از این گروه در ولایاتی از کشور، احتمال اینکه تلفات غیر نظامیان بیشتر شود نیز وجود دارد.

تفکر داعشی که تفکر تکفیری است، به خودی خود باعث حمله بر غیر نظامیان و مردم بی دفاع می شود. این تفکر در کشورهای دیگری همانند سوریه و عراق تلفات انسانی بسیار سنگینی را به بار آورده است.

اما دولت افغانستان که خود مسبب بخشی از تلفات غیر نظامیان می باشد، نیز از ضعف ها و کاستی های رنج می برد. در حالی که دولت افغانستان به عنوان یک نهاد قانونی و متعهد به اجرایی قوانین بین المللی می باشد، عملا باید در حفظ و نگهداری جان

و مال شهروندان خود جدا دقت و وسواس به خرج دهد. دولت افغانستان نمی تواند همانند طالبان و با گروه های هراس افکن دیگر خود از تعهد به میثاق ها و قوانین ملی و بین المللی مبرا بداند.

علاوه بر اینها سیستم منظم دولتی و پاسخ دهی در دولت نیز باعث می شود تا دولت بتواند نظارت و کنترل جدی تری بر اجرای عملیات ها و حفظ و حراست از جان و مال مردم بی دفاع بکند. در هر صورت طرفهای جنگ باید به میثاق های بین المللی و قوانین ملی متعهد باشند.

در عین حال باورها و اعتقادات مشترک میان طرفهای جنگ می باید آنها را متعهد به حفظ جان غیر نظامیان خصوصا زنان و کودکان بکند. قوای خارجی نیز به همان اندازه که وظیفه دارند در کنار نیروهای افغان بچنگند، به همان اندازه نیز وظیفه دارند تا به قوانین و تعهدات بین المللی و ملی پایبند باشند.

روز گذشته دفتر هیات معاونت سازمان ملل متحد در کابل، یوناما در تازه ترین گزارش خود از افزایش بی پیشینه و نگران کننده تلفات غیر نظامیان در کشور خبر داد.

این نهاد در گزارش شش ماه اول سال ۲۰۱۵ خود آورده است که درگیری ها در افغانستان هم چنان عامل افزایش تلفات غیر نظامیان می باشد و آمار تلفات برابر با پیشتره از همین مدت در سال گذشته بوده است.

یعنی این که کشتار غیر نظامیان در نیمه اول سال روان میلادی برابر تمام سال میلادی گذشته، افزایش داشته است. این گزارش بصورت مشخص یاد آور شده است که در شش ماه از اول سال جاری میلادی یعنی تا ماه جون، تعداد کشته شدگان غیر نظامی به ۱۵۹۲ نفر و شمار زخمی های غیر نظامی به ۲۳۲۹ رسیده که نسبت به سال گذشته یک درصد افزایش را نشان می دهد.

بر اساس این گزارش عامل عمده یعنی نود درصد کشتار غیر نظامیان، درگیری های زمینی، انفجارها، حملات انتحاری و قتل های هدفمند بوده است.

از دیدگاه نمایندگی سازمان ملل افزایش کشتار غیر نظامیان دو مسئله را فوری تر می سازد. نخست این که این کشتار بسیار نگران کننده و غیر مترقیه می باشد.

دوم این که برای رفع این نگرانی و پایان بخشیدن به کشتار غیر نظامیان هرچه زود تر بایستی جنگ قطع گردیده و طرف های درگیر تن به مصالحه و آشتی بدهند.

به باور نماینده سازمان ملل متحد در کابل غیر نظامیان افغان مدت هاست که از این جنگ ویرانگر رنج می برند.

به گونه ای که طبق این گزارش، عواقب ناگوار این خشونت ها علیه غیر نظامیان باید به طور بارز، نیاز فوری به صلح را تقویت کند.

وی در ادامه به این نگرانی خود افزوده است که مبادا تا زمان قطع جنگ و دست یابی به صلح احتمالی میزان تلفات غیر نظامیان هم چنان سیر صعودی

بیابد، بنابراین او تاکید کرده است که تا برقراری صلح، طرف های جنگ باید قوانین بین المللی بشردوستانه را رعایت کنند تا تأثیرات جنگ بر غیر نظامیان به حداقل برسد.

هم چنین در این گزارش تصریح گردیده است که افزون بر این که عامل عمده تلفات غیر نظامیان جنگ و انفجارها و انتحاری ها می باشند، در این میان یافته ها نشان می دهند که عناصر ضد دولتی عامل هفتاد درصد تلفات غیر نظامیان هستند و سهم گروه های مخالف مسلح در تلفات غیر نظامیان در مقایسه با سایر طرف ها هم چنان زیاد است.

این گزارش میزان نقش نیروهای خارجی را یک درصد در صد دانسته و عامل پانزده درصد تلفات غیر نظامیان را نیروهای امنیتی افغان اعلام داشته است.

ده درصد دیگر تلفات غیر نظامیان به هیچ گروهی نسبت داده نشده و یوناما فکر می کند که عامل چهار درصد دیگر انفجار مهمات بازمانده از دوران جنگ های داخلی بوده است.

قابل یادآوری است که طبق این گزارش از میان غیر نظامیان، زنان بیشترین آسیب را یعنی رقمی حدود بیست و سه درصدی را متحمل گردیده اند و میزان تلفات کودکان نیز سیزده درصد افزایش داشته است.

باید یاد آور شد که افغانستان در طی چهار دهه گذشته میدان نبردهای خونین میان مخالفان مسلح دولت و نظامیان افغان و خارجی بوده است.

اما متأسفانه آمار دقیق تلفات غیر نظامیان در این سال ها در دست نیست. اما حال پرسش اساسی این است که هدف عمده از کشتار مردم غیر نظامی چیست؟ وقتی جان ده ها کودک وزن و انسان های عادی که برای خرید و انجام امور روز مره زندگی، به انجام عملیات های نظامی و انتحاری و نیز حملات کور گرفته می شود کدام هدف نظامی و حکومتی و یا موقعیت استراتژیکی آماج قرار می گیرد؟

دیگر این که آیا جان انسان ها تا بدین

اندازه بی ارزش شده است که برای رسیدن به هرهدفی از وقوع چنین تأثیرات جنگ بر غیر نظامیان به حداقل برسد.

هم چنین در این گزارش تصریح گردیده است که افزون بر این که عامل عمده تلفات غیر نظامیان جنگ و انفجارها و انتحاری ها می باشند، در این میان یافته ها نشان می دهند که عناصر ضد دولتی عامل هفتاد درصد تلفات غیر نظامیان هستند و سهم گروه های مخالف مسلح در تلفات غیر نظامیان در مقایسه با سایر طرف ها هم چنان زیاد است.

این گزارش میزان نقش نیروهای خارجی را یک درصد در صد دانسته و عامل پانزده درصد تلفات غیر نظامیان را نیروهای امنیتی افغان اعلام داشته است.

ده درصد دیگر تلفات غیر نظامیان به هیچ گروهی نسبت داده نشده و یوناما فکر می کند که عامل چهار درصد دیگر انفجار مهمات بازمانده از دوران جنگ های داخلی بوده است.

قابل یادآوری است که طبق این گزارش از میان غیر نظامیان، زنان بیشترین آسیب را یعنی رقمی حدود بیست و سه درصدی را متحمل گردیده اند و میزان تلفات کودکان نیز سیزده درصد افزایش داشته است.

باید یاد آور شد که افغانستان در طی چهار دهه گذشته میدان نبردهای خونین میان مخالفان مسلح دولت و نظامیان افغان و خارجی بوده است.

اما متأسفانه آمار دقیق تلفات غیر نظامیان در این سال ها در دست نیست. اما حال پرسش اساسی این است که هدف عمده از کشتار مردم غیر نظامی چیست؟ وقتی جان ده ها کودک وزن و انسان های عادی که برای خرید و انجام امور روز مره زندگی، به انجام عملیات های نظامی و انتحاری و نیز حملات کور گرفته می شود کدام هدف نظامی و حکومتی و یا موقعیت استراتژیکی آماج قرار می گیرد؟

دیگر این که آیا جان انسان ها تا بدین

اندازه بی ارزش شده است که برای رسیدن به هرهدفی از وقوع چنین تأثیرات جنگ بر غیر نظامیان به حداقل برسد.

هم چنین در این گزارش تصریح گردیده است که افزون بر این که عامل عمده تلفات غیر نظامیان جنگ و انفجارها و انتحاری ها می باشند، در این میان یافته ها نشان می دهند که عناصر ضد دولتی عامل هفتاد درصد تلفات غیر نظامیان هستند و سهم گروه های مخالف مسلح در تلفات غیر نظامیان در مقایسه با سایر طرف ها هم چنان زیاد است.

این گزارش میزان نقش نیروهای خارجی را یک درصد در صد دانسته و عامل پانزده درصد تلفات غیر نظامیان را نیروهای امنیتی افغان اعلام داشته است.

ده درصد دیگر تلفات غیر نظامیان به هیچ گروهی نسبت داده نشده و یوناما فکر می کند که عامل چهار درصد دیگر انفجار مهمات بازمانده از دوران جنگ های داخلی بوده است.

قابل یادآوری است که طبق این گزارش از میان غیر نظامیان، زنان بیشترین آسیب را یعنی رقمی حدود بیست و سه درصدی را متحمل گردیده اند و میزان تلفات کودکان نیز سیزده درصد افزایش داشته است.

باید یاد آور شد که افغانستان در طی چهار دهه گذشته میدان نبردهای خونین میان مخالفان مسلح دولت و نظامیان افغان و خارجی بوده است.

اما متأسفانه آمار دقیق تلفات غیر نظامیان در این سال ها در دست نیست. اما حال پرسش اساسی این است که هدف عمده از کشتار مردم غیر نظامی چیست؟ وقتی جان ده ها کودک وزن و انسان های عادی که برای خرید و انجام امور روز مره زندگی، به انجام عملیات های نظامی و انتحاری و نیز حملات کور گرفته می شود کدام هدف نظامی و حکومتی و یا موقعیت استراتژیکی آماج قرار می گیرد؟

دیگر این که آیا جان انسان ها تا بدین

توان در طرح ریزی و تحریک عملیات های خونین و فاجعه بار بوسیله عناصر



مسخ شده و تروریست مشاهده کرد. مسئله دیگر سکوت و بی تفاوتی کسانی و نهادهایی است که وجهه و اعتبار سیاسی و سیاسی دارند اما در اعتراض جدی و قاطع به چنین اقدام های تروریستی مهر سکوت بر لب زده و حتا در مواردی سعی در تبرئه تروریست ها و جنایتکاران دارند.

در این ارتباط حداقل انتظاری که از علمای جهان اسلام و منطقه و کشور و نیز نهادهای حقوق بشری جهان و کشور و هم چنین حکومت وجود دارد این است که با صراحت تمام و قاطعانه و بصورت گسترده این کشتار ها را محکوم ساخته و آن را مغایر با احکام و آموزه های دین مبین اسلام اعلام دارند و افزون بر آن روش های جهت جلوگیری از آن را روی دست گیرند.

زن و مصرف هنری خانواده

شایسته مدنی / قسمت اول

«مصرف در لفظ به معنی استفاده از کالاها برای رفع نیازها و خواشهاست. مصرف نه تنها شامل خرید انبوه کالاهای مادی، بلکه شامل استفاده از خدماتی چون سفر و دکوراسیون، که نشاندهنده پارکها آن ها بوده و یا معنایی برای رهاسدندان از این شرایط داشته باشد. همه ی ما، چه فقیر و چه غنی، مصرف کننده هستیم. آدم اسمیت در کتاب «فروت ملل» می گوید: «مصرف تنها دلیل و تنها هدف هرگونه تولید است» (وری، ۲۰۱۱: ۹).

صحت از مصرف به عنوان یک حوزه ی

دور بماند اینست که ساختار این گفتار، بر پایه مصرف است که یک امر اقتصادی است شکل گرفته است، اما در حقیقت کارکرد پدیده های به نام مصرف به اندازه های فراگیر شده است که امروز دیگر نمی توان آن را فقط یک امر اقتصادی به شمار آورد، بلکه بیشتر بخشهای جامعه به ویژه حوزه های فرهنگ و هنر و غیره، متأثر از آن هستند. به طوری که هر پدیده فرهنگی / هنری / اجتماعی امروز، یک ریشه در مصرف دارد و از این جهت پدیده مصرف به یک امر پیچیده ای تبدیل شده است که در تبیین و تحلیل این پدیده های بایستی نفوذ و نقش مصرف در آن ها را به دقت رصد نموده و تحلیل کرد.

کالای هنری در این مطالعه، اشیاء هنری و فرآیند یادگیری هنر را شامل می شود. استفاده از بسیاری از کالاهای هنری جغرافیای مصرف خاصی ندارند بلکه فرهنگ یک ملت آن کالاها را بر اساس سلیقه ی خود به کار می گیرد. کالاهای هنری مد نظر این نوشتار گرچه ممکن است جغرافیای مصرف گسترده ای در جامعه داشته باشد اما مصرف این کالا و قواعد حاکم بر آن را در یک خانه ای ایرانی دیده شده است تا نقش زن در انتخاب آن را بررسی نموده و لایه های پنهان این پدیده نشان داده شود. انتخاب کالای هنری خانواده توسط زن، نه فقط یک عمل هنری بلکه عملیست به مانند سایر انتخاب های زن که در چهار دیواری خانه اتفاق می افتد و در اشکال گونه گونی همچون: هنر، اسباب اثاثیه، خوراک و... دیده می شوند که برخی چون هنر شیک و زینتی و برخی دیگر چون لوازم و ابزار، کارکردی هستند اما همگی این ها فقط شکل مسئله هستند و محتوای مسئله به پدیده قدرت بر می گردد که قلمرو زنانه ی آن خانه است و در تحلیل هرگونه رابطه ی اجتماعی پیرامون خانه بایستی دقت را نیز دید. مصرف کالاهای هنری در خانواده بر اساس قواعد خاصی صورت می گیرد که زن در این قاعده نقش بسیار مهمی دارد. آنچه در این مقاله به آن پرداخته خواهد شد شکل مصرف هنر در خانواده و نقش زن در نحوه ی این مصرف است.

• مصرف: انسان یک موجود مصرفی است. ما برای بقا به غذا، لباس و سرپناه نیاز داریم. اما به جز این ها، حتی افراد بسیار فقیری که مصرفشان ظاهرا محدود به نیازهای ضروری و حیاتی مثل غذا و لباس و

نقش واسط پول در مصرف و روابط کیفی متفاوت آن پرداخته است. همچنین به برتری مصرف در نمایش دادن زندگی در کلاتشهر و مکانیسم مد در دنیای مدرن نیز توجه کرده است. از نظر زیمل، همه ی طبقات بالایی اجتماعی، مد متداول را کنار زده و بیدرتنگ با خلق یا طراحی یک مد جدید، سرریز در سلسله مراتب اجتماعی را رقم می زنند. البته این تورشتاین ویلن بوده که نظریه ی سرریز متفلسفانه را تولید کرد. ویلن، گرایش طبقات بالا را برای

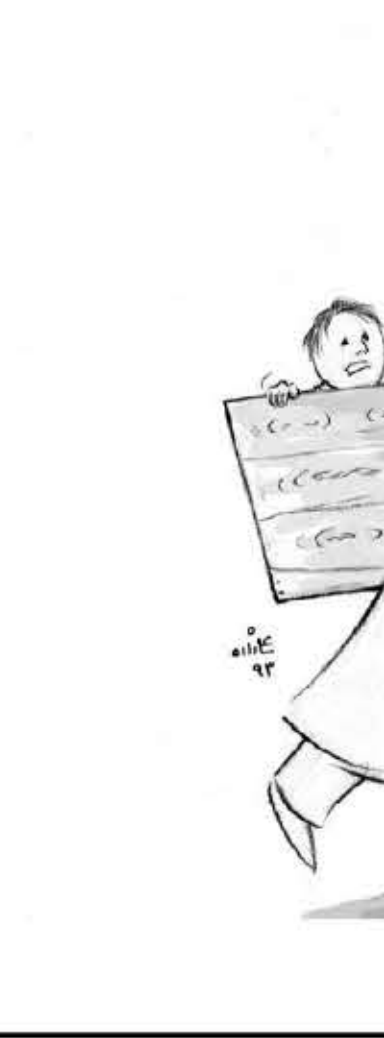


جدا کردن خود از طبقات دیگر را با مفهوم «مصرف متظاهران» نشان داد. مثلا، خرید و مصرف کالاهای گرانتقیمت که هدفش، ارتقای پایگاه اجتماعی فرد است. از وقتی که مصرف این نوع از کالاها از طبقه متوسط آغاز و سپس به سمت طبقه کارگر سرازیر می شود، کشمکش دائمی برای طبقات بالا پیدا شده است که پایگاهشان را از طریق مصرف نشان دهند (ایلگون، ۲۰۱۱: ۲) مسیری دیگری که در جامعه شناسی به سمت مصرف گشوده شد، با نظریات اقتصادی مکتب فرانکفورت همراه است. از یک طرف وال تر بنیامین (۱۹۳۹) کار زیمل را که برای توصیف زندگی در کلاتشهرها آغاز شده بود، دنبال کرد و تمرکز اصلی او بر مراکز خرید بزرگ و پاساژها؛ بر فرهنگ عمومی به عنوان نماینده فرهنگ مدرن؛ پرسه زنی که در خیابانهای شهرهای بزرگ قدم می زند؛ و بر مد که نشانگر زمان است تا اینکه نماینده ی طبقه باشد. ادامه دارد

سرنپناه و غیره دیده شده است نیز به مصرفی نیاز دارند که فراتر از تامین بقایشان است، مثلا استفاده از یک شیء کوچک برای راحتی و لذت و یا برای تمایز و دکوراسیون، که نشاندهنده پارکها آن ها بوده و یا معنایی برای رهاسدندان از این شرایط داشته باشد. همه ی ما، چه فقیر و چه غنی، مصرف کننده هستیم. آدم اسمیت در کتاب «فروت ملل» می گوید: «مصرف تنها دلیل و تنها هدف هرگونه تولید است» (وری، ۲۰۱۱: ۹).

صحت از مصرف به عنوان یک حوزه ی

کارتون روز



روزنامه افغانستان از همه دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می نماید. هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد. مقالات وارده بازگردانده نمی شود. مسئولیت مقالات به عهده نویسندگان آنها است و تنها سرمقاله بیاتگر دیدگاه روزنامه افغانستان میباشد. روزنامه افغانستان بخش درستی و پشتوی روزنامه اوت لوک افغانستان است. www.dailyafghanistan.com Email: thedailyafghanistan@yahoo.com

صاحب امتیاز: دکتر حسین یاسا
مدیر مسوول: محمد رضا هویدا
سرمدیر: حفیظ الله زکی
کارپاکتوریست: خالق علی زاده
دبیران: محمد صالحی، علی اصغر زاهدی
مسئول وب سایت: محمد علی بهرامی
آدرس: کابل، شهرک امید سبز، فاز چهار، کوچه ششم، خانه نمبر ۷-۱۳۷

افغانستان The Daily Afghanistan
Outlook AFGHANISTAN
The Daily Independent Press